

شخصیت مقاوم در برابر استرس بر اساس منابع اسلامی Personality resistant to stress based on Islamic sources

Abbas Rezaei DehAbadi
Mohammad Sadegh Shojaee (corresponding author)

عباس رضائی ده‌آبادی^۱
محمد صادق شجاعی (نویسنده مسئول)^۲

Abstract

This research was conducted with the aim of investigating stress-resistant personality based on Islamic sources. The research method is the qualitative content analysis of religious texts, which is used to understand and deduce psychological teachings from religious texts. The word "Aziz" and its derivatives in Islamic sources constitute the main keyword of this article. According to the study, the word "Aziz" has a semantic contrast with the two words "al-hawn and al-hawan" and "al-zol and al-zhalil" and has a Semantic inclusion with the words "patience" and "perseverance". Also, by analyzing the verses and narrations with the root of Aziz and its derivatives, it was determined that Aziz structure is a personality trait composed of cognitive, emotional and behavioral dimensions, which is consists of the components of 1. Religious commitment and adherence 2. Wise courage 3. Emotional control 4. Positive relationships 5. Positive motivation 6. Intelligence and cleverness and 7. Strength and strength. The validity of the findings has been measured using three methods: researcher self-review, control by colleagues and theoretical verifiability. Based on the findings of this research, by relying on the eternal power of God, in the face of all kinds of pressures, hardships and stresses, Aziz appears strong and powerful and overcomes them with his abilities.

Key words: resistant personality, stress, Aziz.

1. PhD student in Quran and Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. abas62@chmail.ir

2. Assistant Professor of Psychology, Department of Ethics and Education, International Research Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. s_shojaei@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی شخصیت مقاوم در برابر استرس بر اساس منابع اسلامی انجام شده است. روش پژوهش، تحلیل کیفی محتوایی متون دینی است که برای فهم و استنباط آموزه‌های روان‌شناختی از متون دینی کاربرد دارد. واژه «عزیز» و مشتقات آن در منابع اسلامی کلید واژه اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد. بر اساس بررسی انجام شده واژه عزیز با دو واژه «الهُونُ و الهَوَانُ» و «الذَّلُ و الذَّلِيلُ» تقابل معنایی و با واژه‌های «ثبات قدم»، «صبر» و «استقامت» شمول معنایی دارد. همچنین با بررسی و تحلیل آیات و روایات با ریشه عزز و مشتقات آن مشخص شد، سازه عزیز یک رگه شخصیتی مرکب از ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری است که از مؤلفه‌های ۱. تعهد و پای‌بندی مذهبی ۲. جرأت و رزوی عاقلانه ۳. مهار هیجانی ۴. روابط مثبت ۵. انگیزش مثبت ۶. هوشمندی و زیرکی و ۷. صلابت و نیرومندی تشکیل شده است. اعتبار یافته‌ها با استفاده از سه روش خود‌بازبینی محقق، کنترل به وسیله همکاران و تاییدپذیری نظری سنجیده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش شخصیت عزیز با اتکا به قدرت لایزال الهی در مقابل انواع فشارها و سختی‌ها و استرس‌ها با صلابت و قدرتمند ظاهر شده و با توانمندی‌های خود بر آن‌ها فائق می‌آید.

واژگان کلیدی: شخصیت مقاوم، استرس، عزیز

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

abas62@chmail.ir

۲. استادیار روان‌شناسی، گروه اخلاق و تربیت، پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

s_shojaei@yahoo.com

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

مقدمه و بیان مساله

استرس همواره به عنوان یکی از مهمترین عوامل پیدایش و شکل‌گیری بیماری‌های مختلف جسمانی، روانی و مرگ و میر افراد مطرح بوده است. در این زمینه، می‌توان به ارتباط رویدادهای تنش‌زا با ناراحتی‌های قلبی، پوستی، دستگاه ایمنی و بیماری‌هایی همچون زخم معده و سرطان اشاره داشت (جلالی و پورحسین، ۱۳۹۹). بسیاری از محققان علوم روانشناختی متوجه شدند که رویدادهای استرس‌زا در بروز اختلالات روان‌تنی نقش موثری دارند (شاکری‌نیا و محمدپور، ۱۳۸۹)؛ همین امر باعث توجه و مطالعات روانشناسان در زمینه استرس شده است.

برخی مطالعات نشان داد که بین رویدادهای استرس‌زا و اختلالات روانشناختی، عوامل ویژگی‌های شخصیتی عامل تعدیل‌کننده‌های وجود دارد که موجب می‌شود رویدادهای استرس‌زا، اثرات متفاوتی روی افراد به جای بگذارند (کاوه، ۱۳۹۲). کوباسا^۱ (۱۹۷۹) از اولین محققانی بود که نقش ویژگی‌های شخصیتی را به عنوان عامل تعدیل‌کننده‌ی استرس و بیماری مورد توجه قرار داد. وی در مطالعه خود به بررسی فرضیه تفاوت ساختار شخصیتی افرادی که درجه‌ی استرس بالایی را بدون بیماری تجربه می‌کنند با افرادی که در شرایط استرس‌زا بیمار می‌شوند، پرداخت. کوباسا در این مطالعه نشان داد که این تمایز شخصیتی به عنوان یک متغیر مداخله‌گر در تعدیل ارتباط بین استرس و بیماری در ساختاری به نام «سخت‌رویی» یا «شخصیت سرسخت»^۲ منعکس است. وی با استفاده از تئوری‌های آگزیستانسیالیستی در شخصیت، سخت‌رویی را ترکیبی از باورها در مورد خویش‌ترستن و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه تعهد^۳، کنترل^۴ و مبارزه‌جویی^۵ تشکیل شده است. ساختار سخت‌رویی از عمل یکپارچه و هماهنگ این سه مؤلفه مرتبط با هم سرچشمه می‌گیرد (کوباسا، ۱۹۸۸ به نقل از قربانی، ۱۳۷۴). نتایج بیش از دو دهه پژوهش درباره سرسختی روانشناختی، کوباسا را به این نتیجه‌گیری رساند که افراد سرسخت حس جهت‌گیری مشخص، رویکردی فعال در موقعیت‌های استرس‌زا و حس اعتماد و کنترل دارند؛ این ویژگی‌ها، شدت تهدیدها و خطرهای احتمالی را کاهش می‌دهند (عظیمی، ۱۳۹۵).

یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی که روانشناسان توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته‌اند

1. Kobasa
2. Hardness Personality
3. Commitment
4. Control
5. Challenge

مفهوم «تاب آوری»^۱ است. محققان واژه تاب آوری را در مورد افرادی به کار می‌برند که قادرند با سختی و مشکلات سازگار شوند (کاوه، ۱۳۹۲). برای تاب آوری تعاریف متعددی ذکر شده است. برای مثال، گارمزی^۲ و ماستن^۳ تاب آوری را یک فرایند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت آمیز با شرایط تهدیدکننده تعریف کرده‌اند (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶). ورنر (۱۹۹۷) تاب آوری را یک عامل بالقوه در همه افراد برای تغییر می‌داند (رحیمیان بوگر و اصغرنژاد فرید، ۱۳۸۷). پولک^۴ (۱۹۹۷) تاب آوری را توانایی تغییر یک فاجعه و تبدیل آن به یک تجربه رشد یابنده و رو به جلو تعریف می‌کند (شاکری نیا و محمدپور، ۱۳۸۹). تحمل پذیری در مواجهه با مخاطرات ناگهانی، مطابقت پذیری با تغییرات (تعدیل و واکنش به تغییرات محیطی)، برگشتن به تعادل مناسب (قبل و یا جدید) یا توانایی برگشت به حالت نرمال در یک زمان مشخص پس از فاجعه، به طوری که سیستم کارکرد قبلی خود را به صورت مستمر حفظ نموده باشد، از دیگر تعاریف تاب آوری می‌باشد (بسطامی نیا و همکاران، ۱۳۹۷). اینکه برخی افراد در مقابل استرس، سختی‌ها و مشکلات مقاوم هستند و تسلیم نمی‌شوند مطلوب آموزه‌های اسلامی نیز می‌باشد. در منابع اسلامی از این ویژگی با تعبیر مختلفی یاد شده است. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ مؤمن به کوه محکم و استوار تشبیه شده است که طوفان‌های سهمگین نمی‌توانند او را از جایش حرکت دهند (شهرآشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق، ج ۲). همچنین امام باقر علیه السلام مؤمن را در مقابل مشکلات، محکم‌تر از کوه (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳) و امام صادق علیه السلام مؤمن را سخت‌تر از سنگ (همان) توصیف می‌کند. پر واضح است که این تشبیهات، کنایه از این است که سختی‌ها و مشکلات نمی‌توانند مؤمن را دچار بحران و استرس‌های حاد و مزمن کرده و او را از پای درآورند.

امام صادق علیه السلام در توصیف قدرت دینداری مؤمن در تعارضات و سختی‌ها می‌فرماید: انسان مؤمن نفوذ ناپذیرتر و پرصلابت‌تر از کوه می‌باشد، چون کوه در مقابل ضربات پتک و تیشه مقداری از وجودش کم می‌شود ولی مؤمن در مقابل حوادث و سختی‌ها ذره‌ای از دینش کم نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵). در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام مؤمن را مستحکم‌تر از آهن توصیف می‌کند، چون آهن در مقابل حرارت آتش استحکام خود را از دست داده و نرم می‌شود، ولی مؤمن اگر بر اثر شکنجه کشته شده و دوباره او را زنده کنند و این عمل چندین

1. Resilience
2. Garmezy
3. Masten
4. Polk

مرتب‌ه ادامه پیدا کند از عقیده حق خود دست بر نمی‌دارد و دین خود را حفظ می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ق ج ۸: ۲۹۴؛ برقی، ۱۳۷۱، ق، ج ۱: ۲۵۱).

همانطور که ذکر شد در تعابیر دینی با تشبیه مؤمن به اشیایی که نماد صلابت و سرسختی و همچنین نفوذناپذیری و استحکام هستند به یک سازه شخصیتی با ارزش در وجود او اشاره شده است که می‌توان در متون دینی مفاهیم مختلفی برای توصیف و تبیین این سازه روانشناختی و شخصیتی یافت. یکی از مفاهیم نزدیک به این سازه شخصیتی در قرآن و روایات در کلید واژه عزیز و ریشه آن یعنی عزت منعکس شده است. عزت در لغت به معنای قوت، قدرت، غلبه و حالت شکست‌ناپذیری است. ابن‌درید درباره عزت می‌گوید: اصل العزّه الصلابه و الشدّه (به نقل از مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۱۳)؛ عزت در اصل حالت سرسختی و نیرومندی است. راغب اصفهانی عزت را اینگونه تعریف کرده است: عزت حالتی است که مانع از مغلوب شدن انسان می‌شود و در اصل از عَزَّاز به معنای زمین صُلب و محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۳). در روایات نیز عزت به همین معنا به کار رفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ** (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۶۳)؛ مومن از کوه مقاوم‌تر و سخت‌تر است. در تایید اینکه کلمه **عَزَّ** در این روایت به معنای صلابت و سرسختی است، دو روایت دیگر با این تعبیر آمده است: **الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ** (همان، ج ۲: ۲۴۱)؛ مومن از کوه سخت‌تر است. **إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ** (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۳۵)؛ مومن از آهن مقاوم‌تر است. عزت در آیات و روایات به معنای سرسختی، مقاومت، نیرومندی و شکست‌ناپذیری است و وجود این حالت در انسان نوعی ویژگی مثبت و ارزش شمرده می‌شود. افرادی که در برابر سختی‌ها، مشکلات و رخدادهای زندگی از خود مقاومت و سرسختی نشان می‌دهند و روحیه شکست‌ناپذیری دارند، همچنان که بر مشکلات فائق می‌شوند و از هر رویدادی سربلند و پیروز به در می‌آیند، در نظر دیگران نیز ارجمند و محترم می‌شوند. بنابراین، برتری و ارزشمندی لازمه عزت و از نتایج آن است و در مواردی که عزت به معنای عظمت، ارجمندی، کرامت، سرفرازی و شرافت به کار رفته از باب استعمال در لازم معنا است (شجاعی، ۱۳۸۳).

بر اساس منابع اسلامی، سازه شخصیتی عزت می‌تواند همانند سازه «سخت‌روی» و «تاب‌آوری» به عنوان یک متغیر مداخله‌گر در تعدیل ارتباط بین استرس و بیماری نقش‌آفرین باشد و باعث بالا رفتن مقاومت فرد در برابر استرس‌ها، مشکلات و سختی‌ها شود. با توجه به

اینکه ویژگی سخت رویی یک ویژگی اکتسابی و یادگرفتنی بوده و صرفاً ذاتی نیست (دکامی و همکاران، ۱۳۹۷)، این سازه می‌تواند در بسته‌های تربیتی و آموزشی و همچنین مداخله‌ای مورد استفاده مریبان و درمانگران قرار بگیرد. بنابراین این مقاله قصد دارد با بررسی واژه عزیز و مشتقات آن و استخراج مؤلفه‌های آن به توصیف و تبیین شخصیت مقاوم در برابر استرس با کلید واژه «عزیز» در منابع اسلامی بپردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی از نوع تحلیل کیفی محتوایی متون دینی است که برای فهم و استنباط آموزه‌های روانشناختی از منابع اسلامی کاربرد دارد. جامعه متنی پژوهش حاضر قرآن کریم و کتاب‌های حدیثی بود. گردآوری داده‌ها به این صورت بود که ابتدا با استفاده از روش جستجوی واژگانی، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با شخصیت مقاوم در برابر استرس با محوریت کلید واژه عزیز و عزت گردآوری شد. نتیجه این مرحله دستیابی به ۱۱۶ آیه و ۷۰ روایت بود. سپس با استفاده از اصول معناشناسی زبانی به ویژه هم‌معنایی، تقابل معنایی، چند معنایی، تحلیل مولفه‌ای و همریخت بینی کلنگر، مفاهیم و گزاره‌ها مورد بررسی قرار گرفت و محتوای اساسی مربوط به هر گزاره و مفهوم به دست آمد. در مرحله بعد با تحلیل و طبقه‌بندی یافته‌ها، مقوله‌ها و سرانجام سازه مربوط به شخصیت مقاوم در برابر استرس بازشناسی شد.

آخرین مرحله، مربوط به روایی سنجی پژوهش بود. برخلاف پژوهش‌های کمی، پژوهش‌های کیفی آزمون‌های ویژه‌ای برای اعتبارسنجی ندارند. از این رو، معمولاً برای اعتبارسنجی یافته‌ها، محققان دیگر نتایج به دست آمده از تحقیق را ارزیابی می‌کنند. در صورتی که ارزیابی مثبت و نتایج نظر کارشناسان با نتایج پژوهش هماهنگ باشد، تصور می‌شود که پژوهش از اعتبار و روایی لازم برخوردار است (المناسره^۱ و همکاران، ۲۰۱۹؛ پولیت^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). این در حالی است که در بسیاری موارد ارزیابان بیرونی، ممکن است از دلایل زیربنایی نتایج و یافته‌های تحقیق آگاهی کمتری داشته باشند یا به دلیل نداشتن وقت و انگیزهی کافی به صورت سطحی و گذرا ارزیابی کنند. بنابراین، در پژوهش‌های کیفی خود پژوهشگر و همکاران وی میتوانند جایگزین مناسبی برای تعیین روایی و اعتبار پژوهش باشند (شجاعی و محمدی، ۱۴۰۰: ۷۵). در این پژوهش برای روایی سنجی از سه روش خود بازمینی محقق، کنترل کردن به وسیله همکاران و

تایید‌پذیری نظری استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش با هدف مفهوم‌سازی شخصیت مقاوم در برابر استرس بر اساس منابع اسلامی انجام شده است. بررسی‌های لغت‌شناختی نشان داد که کلید واژه اصلی در این زمینه عزیز است. زیرا واژه العِزّ در اصل به معنای قوت، شدت، رفعت، تفوق و همچنین امتناع می‌باشد (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۸: ۱۰۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۳۷۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ج ۴: ۳۸). در معنای عزیز غلبه و قهر نیز وجود دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸ ج ۸: ۱۱۳)، به همین مناسبت واژه عزّت به معنای تکبر نیز به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۳۷۴).

عزت حالتی است که در انسان مانع شکست او می‌شود و به زمین سخت و سفت نیز اَرْضٌ عَزَّازٌ و برای گوشتی که سفت شده باشد عبارت تَعَزَّزَ اللَّحْمُ را به کار می‌برند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۶۳). همچنین عزّت به معنی توانائی نیز به کار برده می‌شود و شیء کمیاب را از آن جهت عزیز و عزیزالوجود گویند که در حالت توانائی قرار گرفته و رسیدن به آن سخت است (قرشی بنائی، ۱۴۱۲ ج ۴: ۳۳۹).

همچنین، عزیز قوم به معنای کسی است که شکست دادنش و غلبه کردن بر او آسان نباشد و بر همه قاهر است؛ زیرا مقامی دارد که هر کس قصد او را کند مانعش می‌شوند و از دسترسی به او باز می‌دارند تا نتواند مقهورش کند. این معنای اصلی کلمه است، لیکن بعدها در مورد هر چیز دشواری نیز استعمالش کردند. مثلاً گفتند: عزیز علی کذا یعنی فلان حادثه بر من گران است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ج ۳: ۲۰۶).

برای روشن شدن معنای عزیز و عزت، واژه‌های مقابل آن نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که دو واژه هُونُ [الهُونُ و الهَوَانُ] و ذُلُّ [الدُّلُّ، الذُّلُّ] با آن تقابل معنایی قرار دارد. ابن منظور در این باره می‌گوید: الهُونُ و الهَوَانُ نقيض واژه العِزِّ می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳: ۴۳۹). در واژه هوان مفهوم تواضع نهفته است. به همین جهت، هون و هوان به معنای فروتنی و خود را بزرگ ندانستن می‌باشد که این ویژگی مورد مدح و ستایش می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (فرقان: ۶۳)؛ بندگان خدا در زمین متواضعانه (نه متکبرانه) راه می‌روند. یک معنای دیگر هوان، زبونی، سبکی و خواری است که ناپسند و

مذموم می باشد. خداوند می فرماید: فَأَخَذْتُهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهَوْنِ (فصلت: ۱۷)؛ پس به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند، بانگ عذاب خوارکننده آنان را فرا گرفت. همچنین نسبت به نوع عذاب کفار می فرماید: وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (البقره: ۹۰)؛ عذاب خوارکننده‌های در انتظار کافران می باشد. کلمه المهین نیز از ریشه‌ی هون به معنای حقیر و خوار است (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲:

۱۸۹). رَجُلٌ مُّهِينٌ یعنی انسانی که حقیر و سست و ضعیف می باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۸: ۴).

همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش، واژه الذُّلُّ نقیض العِزِّ می باشد و ذُلًّا و ذِلَّةً و ذَلَالَةً و مَذَلَّةً از مصدرهای واژه ذلیل گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۲۵۷). در لغت، الذُّلُّ به معنای زبونی و خواری به کار رفته است که در اثر فشار و ناتوانی رخ می دهد. بر حسب تعریف، ذلّت حالتی است که بعد از دشواری و سختی رخ می دهد و نقطه مقابل صعوبت و سختی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۳۰).

از سوی دیگر، واژه عزیز با «ثبات قدم»، «صبر» و «استقامت» در یک حوزه‌ی معنایی قرار می‌گیرد. ثبات به معنای پایداری و ضد نابودی و زوال می باشد. برای مرد پایدار و مقاوم در جنگ عبارت «رَجُلٌ ثَبَّتْ وَ ثَبَّتَتْ فِي الْحَرْبِ» به کار می‌برند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۷۱). همچنین ثبات به معنای قوت و قدرت نیز به کار برده شده است که با عزت ارتباط دارد. خداوند در قرآن می فرماید: يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (ابراهیم: ۲۷)؛ خداوند مؤمنین را با دلایل و سخنان قوی در زندگی تقویت و نیرومندشان می‌سازد. همچنین در موارد دیگر مانند: فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا (انفال: ۱۲)؛ وَ ثَبِّتْنَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ (بقره: ۲۶۵)؛ وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا (بقره: ۲۵۰) نیز واژه ثبت به معنای نیرومندی و پایداری است. ثبات قدم، به معنای دوام و استقرار در یک امر، استیفا و انجام آن با تمام قوا و عدم زوال و دودلی می باشد و می‌تواند به مفاهیمی همچون استقامت، مداومت، عزم، صبر و پایداری نزدیک باشد (میردربکندی و همکاران، ۱۳۹۹). بر اساس آیات قرآن، ثبات قدم دارای مراتبی است. برای مثال، ثبات قدم در ایمان (فصلت: ۳۰)، ثبات قدم در جهاد و جنگ (بقره: ۲۵۰)، ثبات قدم در مرحله عمل و انجام فعل (هود: ۱۱۵) و ثبات قدم در سختی‌ها و مشکلات (انفال: ۴۶-۴۵) از موارد کاربرد آن است.

یکی دیگر از مفاهیم و واژه‌هایی که با عزیز در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد و می‌تواند در مفهوم سازی شخصیت مقاوم در برابر استرس کاربرد داشته باشد، واژه صبر است. صبر به معنای خویشتن‌داری در سختی و تنگی می باشد و همچنین حبس و خویشتن‌داری نفس

در مواردی که شرع و عقل بر آن حکم می‌کنند. با این حال در موقعیت‌های مختلف واژه صبر می‌تواند کاربردهای مختلفی داشته باشد. برای مثال، صبر در جنگ به معنای شجاعت و ضد جبن و ترسویی و در مصیبت به معنای خویشتن‌داری است و ضد آن جزع و فزع می‌باشد. گاهی صبر در مورد کلام و سخن به کار می‌رود که به آن کتمان هم گفته می‌شود و نقطه مقابل آن اذاعه و فاش کردن است. در اصطلاح به کسی که بر خویشتن‌داری قادر و توانا باشد صبور می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۴). به همین مناسبت خداوند در قرآن می‌فرماید: **فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ** (احقاف: ۳۵)؛ خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ توصیه می‌کند که قدرت خویشتن‌داری و مقاومت را مانند پیامبران اولوالعزم داشته باشد.

براساس یافته‌های این پژوهش، استقامت نیز با عزت و حالت صفتی آن عزیز در ارتباط است. به لحاظ مفهوم‌شناسی استقامت از ریشه قوم (ق و م) گرفته شده است که به دو معنای الف) جماعتی از مردم ب) عزم و اراده برای انجام کاری به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۴). مصدر فعل قَوْمَ در اصل قیام می‌باشد که به معنای برخاستن (نقطه مقابل نشستن) است ولی در قرآن کاربردهای دیگری نیز برای آن ذکر شده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۴۷) که از آن جمله می‌توان به ثبوت و دوام (و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ / روم: ۲۵)، عزم و اراده (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ / مائده: ۶) و پایداری و ثبات (إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا / آل عمران: ۷۵) اشاره کرد. استقامت وقتی به عنوان یک ویژگی شخصیتی و برای اشاره و رفتار و عملکرد فرد به کار می‌رود، اشاره به این است که فرد نسبت به آن کار قیام و اقدام نموده و بخواهد آن را اصلاح کند، به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱: ۶۳). بر اساس یافته‌های این پژوهش عزیز و عزت مفهوم کانونی بوده و واژه‌های صبر، استقامت، ثبات قدم، هون، ذلت و قوت مفاهیم پیرامونی هستند که در مفهوم‌سازی شخصیت مقاوم در برابر استرس می‌تواند کاربرد داشته باشد.

در مرحله بعد با تحلیل و بررسی موارد کاربرد واژه عزیز و عزت به عنوان مفهوم کانونی، مولفه‌های شخصیت مقاوم در برابر استرس به دست آمد. نتایج مربوط به محتواهای استنباطی و مولفه‌ها در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

سازه	مولفه ها	محتوای استنباطی	مستندات در آیات و روایات
	تعهد و پایبندی مذهبی	بهره‌مندی از نیروی ایمان و عمل به دستورات اسلامی	۱ فَالْمُؤْمِنُ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَزِيْزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيْلًا يَعِزُّهُ اللهُ بِالْإِيْمَانِ وَالْإِسْلَامِ (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۶۳)
		دستیابی به نیرومندی و توانایی در اثر اطاعت از خداوند، اطاعت و رضایت الهی را مقدم داشتن بر هر چیزی دیگری	۲ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ سُخِّجَتْ لَهُ عِزٌّ وَقُوَّةٌ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۴)؛ عَزَّ أَمْرُ اللَّهِ يَعِزُّكَ اللَّهُ (پانیده: ۲۲)؛ إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيْزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطِيعِ الْعَزِيْزَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۱۲۰)؛ وَإِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِالْعَشِيْرَةِ وَهَيْبَةً بِالسُّلْطَانِ فَاتَّخِذْ مِنْ ذَلِكُمْ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْخَبْرَ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۲۵۸)؛ إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۸۴)
		روحیه تقوا مداری در زندگی، دوری از موفیت‌های غیرارزشی	۳ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ عَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۰)
		اطاعت از خدا و به پا داشتن نماز و مداومت بر آن	۴ إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۵) الْصَّلَاةُ... وَهِيَ عِمَادُ الدِّيْنِ... وَعِزُّ الْمُؤْمِنِ... (شعیری، بی‌تا: ۷۳)
شخصیت مقاوم در برابر استرس	جرات و ورزی عاقلانه	شجاعت در گفتار و رفتار	۶ السَّجَاعَةُ عِزٌّ خَاصٌّ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۹)
		اقدام به رفتارهای جرات‌مندانه و دوری از رفتارهای ذلت‌مندانه	۷ الشجاعة عز حاضر، الجبن ذل ظاهر (خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ج ۱۷۱: ۷)
		توانایی انتخاب درست در موقعیت‌گیری، اقدام سنجیده و عاقلانه	۸ السَّجَاعَةُ أَحَدُ الْعَزِيْزِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۹)
صلابت و نیرومندی	قدرت، نیرومندی و عزت کاملاً از خدا است	۹ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيْعًا (فاطر: ۱۰)	
	نیرو و قدرت کامل از آن خداوند است	أَيَّتَعَوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيْعًا (نساء: ۱۳۹)	
	قدرت و نیرومندی واقعی این است که بالاتر از آن قدرتی نباشد	كُلُّ عَزِيْزٍ دَاخِلٌ تَحْتَ الْقُدْرَةِ فَذَلِيْلٌ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۵۴)	
مهار هیجانی	حفظ زبان از آزاررسانی به دیگران، توانایی کنترل تکانه	۹ وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي لِسَانِهِ (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۳۰۴) ...إِنَّ عِزَّ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ وَ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ لِسَانَهُ تَدِمَ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۲۰۸)	
	روابط مثبت، سودمندی اجتماعی و فقدان رفتارهای ضداجتماعی	۱۰ وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِ كَفَّهُ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۱۴۸)	
	خویشتن‌داری و کنترل تکانه‌ها	۱۱ مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلَّ عِزُّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۰۹)	
	صبر هنگام مصیبت، عدم جزع و فزع در سختی‌ها و مشکلات	۱۲ مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ مُصِيبَةٍ زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا إِلَى عِزِّهِ وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ مَعَ مُحَمَّدٍ صَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۵۹)	
	دوری از تجمل و دنیاگرایی، بسندگی و مهار ارزوها	۱۳ مَنْ سَلَا عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزَّ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۶)	
	رعایت انصاف در تعاملات و روابط میان فردی	۱۴ أَلَا إِنَّهُ مَنْ يُصْفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا. (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۴)	
روابط مثبت	من عفی عن مظلمة أبدله الله بها عزاً في الدنيا و الآخرة.. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷: ۱۲۲) وَ لَا صَبْرَ عَنْ مَظْلَمَةٍ إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ بِهَا عِزًّا، (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۲۸۳) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاظَرُوا بِعِزِّكُمْ اللَّهُ. (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۰۸)؛ ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمْتَهُ وَ إِعْظَاؤُهُ مِنْ حَرَمِهِ وَ الْبَصَلَةُ لِمَنْ قَطَعَهُ (همان)		

۱۶	عَزَّ الْمُؤْمِنُ فِي الْقِنَاعَةِ (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۸۶)؛ ... فِي الْقِنَاعَةِ الْحَرِيَّةِ وَالْعَزَّ (ورام، ۱۴۱۰ق: ۳۱۷)	قناعت ورزی، کنترل تکانه، احساس بی‌نیازی از دیگران
۱۷	مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَ بِهِ دَلِيلًا إِلَّا عَزَّ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۸۹)	حق‌طلبی، دفاع از حقیقت، اقدام به رفتارهای عدالت‌خواهانه
۱۸	ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَزَمَهُ وَ الصَّلَاةُ لِمَنْ قَطَعَهُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۱۰۸)	صله رحم، روابط مثبت
۱۹	وَ الصِّدْقُ عِزٌّ وَ الْجَهْلُ ذُلٌّ (کلینی ج ۱، ۱۴۰۷ق: ۲۷)	راستگویی، صداقت
۲۰	لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَذُلَّ نَفْسَهُ قُلْتُ: وَ مَا إِذْلَالُهُ لِنَفْسِهِ قَالَ: يَتَعَرَّضُ مِنَ الْبَلَاءِ لِمَا لَا يَقْوَى عَلَيْهِ وَ لَا يَقُومُ بِهِ. (هالالی ج ۲، ۱۴۰۵ق: ۸۹۶)؛ لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَذُلَّ نَفْسَهُ قَبْلَ لَهُ وَ كَيْفَ يَذُلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يَطِيقُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵: ۶۳)	خود را در معرض اعمال فوق طاققت قرار ندادن، سادگی، واقع‌بینی و واقعگرایی
۲۱	لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَذُلَّ نَفْسَهُ قُلْتُ بِمَا يَذُلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَدْخُلُ فِيهَا يَتَعَدَّرُ مِنْهُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۶۳)؛ وَ قَالَ عِ الْاِسْتِغْنَاءُ عَنِ الْعُدْرَةِ عَزَّ مِنْ الصِّدْقِ بِهِ (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۳۳)	عدم انجام اشتباهاتی که موجب عذرخواهی شود، رفتار سنجیده، توانایی مدیریت رفتار خویشتن
۲۲	كَمْ مِنْ عَزِيزٍ أَذَلَّهُ جَهْلُهُ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۶)	دوری از جهل، اقدام نکردن به رفتارهای نادرست و غیر منطقی
۲۳	...عَزَّ الْمُؤْمِنُ كَفَّهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳: ۴۸۸)؛ ... الْبِئْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ. (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ۱۴۰۶ق: ۳۶۷)؛ عِزُّ الْمُؤْمِنِ عِنْدَهُ عَنِ النَّاسِ (حلوانی، ۱۴۰۸ق: ۱۳۷)؛ فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَجْمَعَ عِزَّ الدُّنْيَا فَاقْطَعْ طَمَعَكَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳: ۴۱۹)؛ ... سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ طَلِبُ الْخَوَارِجِ إِلَى النَّاسِ اِسْتِثْلَاتٌ لِلْعِزِّ وَ مَذْهَبَةُ لِلْحَبَاءِ وَ الْبِئْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ الظَّمْعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۱۴۸)	احساس بینبازی از دیگران، قناعت کردن به اندک، روحیه خودکفایی، عدم وابستگی به دیگران

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این پژوهش مفهوم‌سازی شخصیت مقاوم در برابر استرس در منابع اسلامی بود. نتایج نشان داد نزدیکترین واژه به مفهوم شخصیت مقاوم در برابر استرس، کلمه عزت و حالت صفتی آن «عزیز» است. همچنین، واژه‌های دیگری همچون صبر، صلابت، مقاومت، قدرت، قوت، «قدرت، هوان، ذلت و ... با این حوزه معنایی ارتباط دارد. علاوه بر مفاهیم و واژه‌های مرتبط با شخصیت مقاوم در برابر استرس، با تحلیل و بررسی موارد کاربرد واژه عزت و عزیز، هفت مولفه تعهد و پایبندی مذهبی، جرأت ورزی عاقلانه، مهار هیجانی، روابط مثبت، انگیزش مثبت، نیرومندی، هوشمندی و زیرکی برای آن به دست آمد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، سازهی عزت باعث می‌شود شخص به خاطر صلابت، قدرت و اراده درونی خود، در برابر فشارها، ناملازمات، استرس‌ها و مخالفت دیگران مقاوم و شکست‌ناپذیر بوده و بر آنها فائق آید. مفهوم عزت در قرآن در مورد خداوند، پیامبران الهی،

قرآن، مومنین، کفار (فرعون، ابوجهل و...) کاربرد دارد. با این وجود، خداوند در قرآن می‌فرماید: عزت فقط مخصوص خداوند می‌باشد (فاطر: ۱۰) و خداوند هر کس را که بخواهد عزیز می‌کند (آل عمران: ۲۶). بنابراین، صفت عزیز برای خداوند و پیامبر اسلام ﷺ و کسانی که به خداوند ایمان دارند (مؤمنین) حقیقی و برای فرعون، ابوجهل و منافقین غیرحقیقی می‌باشد. بنابراین می‌توان صفت عزیز را به دو نوع مثبت (که همان صلابت و قدرتمندی در مسیر حق می‌باشد و مخصوص خداوند و مؤمنین است) و منفی (که همان سرسختی و لجاجت در مقابل حق می‌باشد و مخصوص منافقین و کفار است) طبقه‌بندی کرد. منافقین و کفار با وجود این که در مقابل حق از خودشان سرسختی نشان می‌دهند و تسلیم نمی‌شوند اما در مقابل استرس‌ها، مشکلات و سختی‌ها مقاوم نیستند و زندگی آنها متلاطم و غیرقابل تحمل می‌شود.

تعهد و پایبندی به دستورات و تعالیم الهی که ناشی از ایمان به خداوند است، جزء لاینفک شخصیت عزیز می‌باشد. طبق فرموده قرآن، عزیز واقعی خدا و رسول او و بندگان مؤمن می‌باشند (منافقون: ۸) و خداوند به خاطر ایمان و تسلیم بودن مؤمن در برابر دستورات الهی ویژگی قدرت و صلابت را به او عطا کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ق. ۵، ج ۶۳؛ به همین جهت در روایات تاکید شده است که هر کس عزت در دنیا و آخرت می‌خواهد آن را از طریق تقوی و همچنین اطاعت از خداوند عزیز به دست آورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ق. ۶۸، ج ۱۲۰).

از مجموع آیات و روایات برداشت می‌شود سازه عزت یک صفت یا ویژگی شخصیتی می‌باشد و نسبتاً پایدار است. از سوی دیگر، این سازه مرکب از مقوله‌های شناختی، هیجانی و رفتاری می‌باشد و اثر این ویژگی در فرد آن است که او را قادر می‌سازد در مقابل انواع فشارها و سختی‌ها و استرس‌ها با صلابت و قدرتمندی مقاومت کند. طبق آموزه‌های اسلامی منشأ این سازه شخصیتی، تعهد و پایبندی به خدا و ارزش‌های الهی است. انسان عزیز با قدرت و شجاعت خود می‌تواند با چالش‌ها و بحران‌ها مواجه شده و با کنترل هیجانات منفی بر آنها فائق آید. همچنین، فرد عزیز با بهره‌مندی از فضیلت‌های میان فردی، قدرت و شجاعت، انگیزش مثبت خود را در مسیر ارزش‌ها قرار داده و از آنچه باعث خواری و زبونی وی می‌شود به دور نگه می‌دارد.

مفهوم شخصیت مقاوم در برابر استرس، نشان دهنده حالتی است که در روایات از آن به «كَاثِبِ الرَّاسِخِ» به معنای کوه محکم و استوار (شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ق. ۲، ج ۳۴۷)، یا «أَصْلَبُ مِنَ

«الجَبَلِ» به معنای سخت‌تر از کوه (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۶۱۱). همچنین «أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ» به معنای سخت‌تر از سنگ (تمیمی امدی، ۱۴۱۰ ق: ۹۰) تعبیر شده است. همه این تعابیر در روایات نشان دهنده‌ی حالت سرسختی، صلابت، قدرت، نیرومندی و نفوذناپذیری می‌باشند. بنابراین، «عزیز» به عنوان یک ویژگی شخصیتی می‌تواند در کنار مفاهیم روانشناختی همچون صلابت روانی^۱، تاب‌آوری^۲ و سخت‌رویی^۳ قرار بگیرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران، مفهوم «عزیز» را به عنوان یک سازه شخصیتی در پژوهش‌های خود مورد توجه قرار دهند و با توجه به ابعاد و مولفه‌های به دست آمده، پژوهش‌های تکمیلی در مورد آن مانند ساخت پرسشنامه، تدوین بسته‌های آموزشی و تقویت آن برای افراد در سنین و سطوح مختلف را به اجرا بگذارند.

منابع:

* قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر
۴. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶ ش). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران.
۵. یزعی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة.
۶. بسطامی نیا امیر، رضایی، محمد رضا و سرائی محمد حسین (۱۳۹۷). تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۸(۳)، ۲۰۹-۲۲۴.
۷. جلالی، آمینه، پور حسین، رضا (۱۳۹۹). ذهن آگاهی و استرس، رویش روان‌شناسی، ۹(۴)، ۱۴۵-۱۵۷.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة - قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۹. حسینی، زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۱۰. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبیه الخاطر - قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۱۱. دکامی، زینب؛ ژیان باقری، معصومه؛ رضا بلباد، محمد (۱۳۹۷). همبستگی تعهد مذهبی با سخت‌رویی و سلامت روان در همسران جانبازان، نشریه طب جانباز، ۱۱(۱)، ۲۹-۳۴.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة.
۱۳. رحیمیان بوگر، اسحاق و اصغرزاد فرید، علی اصغر (۱۳۸۷). رابطه سرسختی روان‌شناختی و خودتاب‌آوری با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان بازمانده زلزله شهرستان بم، فصلنامه روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۴(۱)، ۶۲-۷۰.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ ق). الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۵. سامانی سیامک؛ جویباری، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت مندی از زندگی، فصل‌نامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۳(۳)، ۲۹۰-۲۹۵.
۱۶. شاکری نیا، ایرج و محمد پور، مه‌ری (۱۳۸۹). رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان و پرخاشگری با عادات رانندگی در رانندگان پرخطر. ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۸(۳)، ۲۲۵-۲۳۳.
۱۷. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۳). توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

1. Mental toughness
2. Resilience
3. Hardiness

۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغة (للصحی صالح) - قم: هجرت.
۱۹. شعیری، محمد بن محمد. بی تا، جامع الأخبار (لشعیری) - نجف: مطبعة حیدریة.
۲۰. شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق). مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) - قم: علامه.
۲۱. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار - نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۳. عظیمی، داریوش. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی سرسختی روان شناختی بر خودکارآمدی تحصیلی و پذیرش اجتماعی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۲۴. قربانی، نیما (۱۳۷۴). سخت رویی: ساختار وجودی شخصیت، مجله پژوهش های روان شناختی، ۳(۴)، ۷۶-۹۲.
۲۵. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۶. کاوه، محمد (۱۳۹۲). تاب اوری، تهران: جامعه شناسان.
۲۷. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد، قم: دارالذخائر.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامیة)، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار (ط - بیروت) بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۲. منسوب به علی بن موسی، امام هشت علیهم السلام (۱۴۰۶ ق). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۳. میردیکوندی، رحیم؛ عباسی، مهدی؛ صفری، حجت اله (۱۳۹۹). کمی سازی مفهوم ثبات قدم بر اساس منابع اسلامی و بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه آن، نشریه روان شناسی و دین. ۱۳(۲)، ۷-۲۲.
۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۵. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق). مجموعه وزام، قم: مکتبه فقیه.
۳۶. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی.
37. Hassanin M.A, Raheem T, Shahin A. (2013). Primary infertility and health-related quality of life in Upper Egypt. International Journal of Gynecology & Obstetrics, 110(2), 118-121.
38. Kobasa, S. C. (1979). Stressful life events, personality, and health: An inquiry into hardiness. Journal of Personality and Social Psychology, 37(1), 1-11.
39. Kobasa, S. C., Maddi, S. R., & Kahn, S. (1982). Hardiness and health: A prospective study. Journal of Personality and Social Psychology, 42(1), 168-177
40. Kobasa, S.C. (1988). Hardiness. In Lindzey, Thompson, and Spring (Eds.). Psychology (3rd ed.). New York: Worth Publishers.
41. Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V. (2007). Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations. Research in nursing & health, 30(4), 459-467.
42. Almanasreh, E., Moles, R., & Chen, T. F. (2019). Evaluation of methods used for estimating content validity. Research in Social and Administrative Pharmacy, 15(2), 214-221.
43. Werner, E. (1997). Vulnerable but invincible: High risk children from birth to adulthood. Acta Paediatrica Supplement, 422, 103-105.

متعلق عزیز	معنای عزیز	آیه و توضیحات
منافق	نفوذ ناپذیری و لجاجت به واسطه گناه	البقرة: ۲۰۶ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّبِعْ اللَّهَ اتَّخَذْتَهُ الْعِزَّةَ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمُهَادُّ
<p>شان نزول این آیه درباره «اخنس بن شریق» نازل شده که تظاهر به دوستی پیامبر ﷺ می‌کرد، خود را مسلمان جلوه می‌داد، ولی در باطن مرد منافقی بود، که در یک ماجرا زراعت بعضی مسلمانان را آتش زد و چهارپایان آنان را کشت. هنگامی که او را از این عمل زشت نهی کردند و به او گفتند از خدا بترس آتش لجاجت در درونش شعله ور گشت و لجاج و تعصب او را به گناه کشاند (مکارم شیرازی، ج ۲: ۷۳). جمله (بالاثم) متعلق به جمله: (أخذته ...) نیست، تا در نتیجه حرف (یا) در آن بآء تعدیه و معنا چنین باشد: (عزت او را وادار به گناه و به این می‌کند که امر به تقوا را به عکس العملی ناخوشایند پاسخ دهد) و یا بآء سببیت و معنا چنین باشد: (عزت و مناعت، به سبب اثم و گناه در او پیدا شد که مرتکب گردید). چرا با تعدیه و سببیت نیست؟ برای اینکه مستلزم آن است که در این دو صورت خدای تعالی حالت نفسانی آن مغرور را عزت دانسته باشد و عزت بودن این زبده را امضاء فرموده باشد، در حالی که عزت حقیقی نیست و اما اگر کلمه (بالاثم) را متعلق به «العزة» بدانیم، همانطور که دانستیم، دیگر این اشکال وارد نمی‌شود، چون آن حالت درونی را عزت ندانسته، بلکه عزت باثم شمرده است (طباطبایی، ج ۲: ۱۴۷).</p>		
۱. خداوند ۲. انسان	شکست ناپذیر و قاهر	آل عمران: ۲۶ قُلْ لِلَّهِ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكِ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
خداوند	قدرت در همه شئون (علم، اقتصاد، سیاسی، فرهنگی)	النساء: ۱۳۹ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا
<p>عزت همواره از «علم» و «قدرت» سرچشمه می‌گیرد و کفار که علم و قدرتشان ناچیز است کاری از دستشان ساخته نیست که بتوانند منشأ عزتی باشند و فقط خداوند سرچشمه همه عزت‌هاست (مکارم شیرازی، ج ۴: ۱۷۱)</p>		
مؤمن	سرسختی و تکبر	المائدة: ۵۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
-	سخت و ناراحت کننده	التوبة: ۱۲۸ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ
حضرت شعيب	قدرتمند و نیرومند، قابل احترام	هود: ۹۱ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقْتَ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْ لَا زَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ
<p>با توجه به لفظ ضعیف در این جمله «لنراک فینا ضعیفاً» و تهدید در جمله «و لو لا زهطک لرجمناک» عزیز در آیه به معنای قدرتمند می‌باشد. چون «و ما انت علینا بعزیز» تاکید بر آن تهدید «لو لا زهطک» می‌باشد تا همانند باشند که تو در بین ما قوی نیستی و مقامی منیع نداری، آن قدر محترم نیستی که رعایت جانب از کشتنت باز دارد (طباطبایی، ج ۱۰: ۵۶۱)</p>		
خویشان حضرت شعيب	محترم و قابل احترام	هود: ۹۲ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ لِي قَوْمٌ أَعْزَبُ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ اتَّخَذْتُمْ هُوَ وَرَاءَكُمْ ظَهْرًا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ
<p>عزیز به قرینه «لو لا زهطک لرجمناک» در آیهی قبل به معنی محترم و قابل احترام می‌باشد. یعنی اگر ملاحظه این عده قلیل از بستگان نبود تو را به طور یقین سنگسار می‌کردیم، ولی ما ملاحظه جانب این چند نفر خویشان تو را می‌کنیم و متعرض تو نمی‌شویم. لذا در این آیه شعیب می‌فرماید آیا بستگان من نزد شما از خدا عزیزتر هستند (که سخن خدا را پشت سر گذاشته اید...) (ابراهیم: ۲۰ و ما ذلک علی الله بعزیز)</p>		
-	سخت، مشکل	
<p>با توجه به آیه قبل از آن «ألم تر أن الله خلق السماوات والأرض بالحق إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد و ما ذلک علی الله بعزیز» به معنای سخت و مشکل می‌باشد. معنای آیه این چنین می‌شود: آیا ندیدی که خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده، اگر اراده کند شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد و این کار برای خدا مشکل نیست.</p>		
صاحب باغ	نیرومند و صاحب نفوذ	الکهف: ۳۴ وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يحاورُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا
مشرکین	رسیدن به احترام دنیایی با شفیع قرار دادن بت‌ها	مریم: ۸۱ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

منظور از این آلهه، ملائکه و جن و مقدسین از انسان ها و جباران از ملوک است، چون بیشتر مشرکین برای ملوک قداستی آسمانی قائل بودند. و معنای اینکه فرمود تا عزت آنان باشند، این است که تا شفیع آنان باشند و به درگاه خدا نزدیکشان کنند و در نتیجه به عزت دنیا برسند و این عزت ایشان را به سوی خیرات کشاننده و از شر دور بردار. (طباطبایی، ج ۴: ۱۴۸)		
الشعراء: ۴۴ فَأَلْقُوا جِبَالَهُمْ وَعِصِيَهُمْ وَ قَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَكُونُ الْغَالِبِينَ	قدرت و نیرومندی	فرعون
النمل: ۳۴ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَاجَ أَهْلِهَا آذَنًا وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ	عزه مقابل اذله به معنای محترم و قابل احترام	-
فاطر: ۱۰ مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَ الَّذِينَ يَمْكُرُونَ الشَّيْثَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبْزِرُ	شکست ناپذیری و مقام بالا	خداوند
جمله «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» سیاقش آن نیست که بخواهد اختصاص عزت به خدا را بیان کند، به طوری که غیر از خدا کسی دستش به آن نرسد و نمی خواهد بفرماید هر کس در طلب عزت برآید، چیزی را طلب کرده که وجود ندارد و ناشدنی است، بلکه معنایش این است که هر کس عزت می خواهد باید از خدای تعالی بخواهد، زیرا عزت همه اش ملک خدا است و هیچ موجودی نیست که خودش بالذات عزت داشته باشد. در نتیجه به کار رفتن جمله «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» در جزای شرط، از قبیل به کار بستن سبب در جای مسبب است که عبارت است از درخواست عزت از خداوند (چون علم به اینکه عزت همه اش ملک خدا است، سبب است، و درخواست عزت از خدا مسبب، در آیه به جای اینکه بفرماید: هر کس عزت می خواهد از خدا بخواهد جمله از خدا بخواهد را برداشته سبب آن را به جایش گذاشته، و فرموده: هر کس عزت بخواهد عزت همه اش از خدا است) یعنی به وسیله عبودیت که آن هم حاصل نمی شود مگر با داشتن ایمان و عمل صالح، عزت را از خدا بگیرد (طباطبایی، ج ۳: ۱۷)		
فاطر: ۱۷ وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٍ	دشوار، سخت	-
یس: ۱۴ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُزْلِمُونَ	تقویت کردن، نیرو بخشیدن، آسیبناپذیر بودن	-
کلمه «عززا» از تعزیز است که مصدر باب تفعیل از ماده عزت است و «عزت» به معنای نیرو و شوکت و آسیب ناپذیری است (طباطبایی، ج ۱۷: ۱۰۷)		
ص: ۲ تِلْكَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ	نفوذ ناپذیری، امتناع و زیر بار حق نرفتن، تعصب و حمیت منفی	کفار
کلمه «عزة» به معنای امتناع و زیر بار نرفتن است و کلمه «شقاق» به معنای مخالفت است (طباطبایی، ج ۱۷: ۲۷۷)		
ص: ۲۳ إِنَّ هَذَا آخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعِجَةً وَ لِي نَعِجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ	غلبه کردن	-
المنافقون: ۸ يَقُولُونَ لَوْ لَمْ نَجْعَلِ لَكَ الْمَدِينَةَ لَلِخُرُوجِ الْأَعْرَابِ مِنْهَا الْأَذَلُّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ	الأعراب: محترم و صاحب نفوذ و جایگاه العزّة: همه معنای عزت مطلق و شکستناپذیری، احترام و...	منافق (عبد الله بن ابی بن سلول)، خداوند
گوینده این سخن و همچنین سخنی که آیه قبل حکایتش کرد، عبد الله بن ابی بن سلول بود و منظور از «آنکه عزیزتر است» خودش است، و منظور از «آنکه ذلیل تر است» رسول خدا ﷺ می باشد و با این جمله رسول خدا را تهدید به اخراج از مدینه کرده است (طباطبایی، ج ۱۹، ۴۷۶)		
الصفات: ۱۸۰ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ	قدرت مطلق و شکستن اپذیر	خداوند
ص: ۸۲ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُعَوِّبُهُمْ أجمعين	قدرت مطلق و شکست ناپذیر	خداوند
فصلت: ۴۱ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ	شکست ناپذیری، منبع	قران
این آیه برای بیان عظمت قرآن می فرماید: «به طور مسلم کتابی است شکست ناپذیر» (یعنی نه مغلوب می شود و نه باطل در آن راه دارد)		
الفتح: ۳ وَ يُضْرِكُ اللَّهُ نَضْرًا عَزِيزًا	(نصرتی) چشمگیری یا کم نظیر و یا بینظیر، شکستناپذیر	-

<p>بعضی در معنای «نصر عزیز» گفته‌اند: آن نصرتی است که هیچ جباری عنید و دشمنی نیرومند نتواند کاری به ایشان بکند و خدای تعالی چنین نصرتی به رسول اسلام داد، برای اینکه دین او را خلل ناپذیرترین ادیان کرد و سلطنت او را عظیم‌ترین سلطنت قرار داد. بعضی گفته‌اند: مراد از نصر عزیز، آن نصری است که در عالم نمونه‌اش نادر و یا نایاب باشد، و نصرت خدای تعالی نسبت به پیامبر اسلام همین طور بوده. و این معنا با مقایسه حال آن جناب در شب بعثت و با حال او در آخر ایام دعوتش روشن می‌شود. (طباطبایی، ج ۱۸: ۳۸۶)</p>		
یونس: ۶۵ و لا یخزَنک قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	شکست ناپذیری	خداوند
الحشر: ۲۳ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ	شکست ناپذیر و غالب	خداوند
<p>و کلمه «عزیز» به معنای آن غالبی است که هرگز شکست نمی‌پذیرد و کسی بر او غالب نمی‌آید. و یا به معنای کسی است که هر چه دیگران دارند از ناحیه او دارند، و هر چه او دارد از ناحیه کسی نیست (طباطبایی، ج ۱۹: ۳۸۳)</p>		
الدخان: ۴۴ ذُوْ قُوَّةٍ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ	شکست ناپذیر و قدرتمند	ابوجهل
<p>این جمله خطابی است به گناه پیشه‌ای که در حال چشیدن عذاب‌های پی در پی است. و اگر او را «عزیز» و «کریم» خواند، با اینکه در نهایت ذلت و ملامت است در حقیقت نوعی استهزاء به او است تا عذابش شدیدتر گردد. چون اینگونه افراد در دنیا برای خود عزت و کرامتی قائل هستند و به هیچ وجه حاضر نیستند از آن عزت و کرامت موهوم دست بردارند (طباطبایی، ج ۱۸: ۲۲۷)</p>		
یوسف: ۳۰ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدْيَنَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ	ریاست مصر	ریاست مصر
<p>کلمه «عزیز» لقب مخصوص کسی بوده که بر کشور مصر ریاست می‌کرده و لذا وقتی یوسف به ریاست مصر رسید او را هم عزیز لقب دادند (طباطبایی، ج ۱۱: ۲۰۱)</p>		
یوسف: ۵۱ قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِي يَوْسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ قَالَتْ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَضَخَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ	ریاست مصر	ریاست مصر
یوسف: ۷۸ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ	ریاست مصر	یوسف
یوسف: ۸۸ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأُهْلْنَا الصُّرُورَ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ	ریاست مصر	یوسف